

نمایش «کمیتۀ نان»

رنج چندپاره



نیلوفر فانی

کمیتۀ نان به واسطه کارگردان خود لیلی عاج، که سال‌ها دغدغه او قشر فرودستی از جامعه است که با طبقه کارگر پیوندخورده و معضلات متعددی گریبانگیرشان است، حائز اهمیت است. وضعیت کارگری که تحت شرایط سخت، به زندگی اش ادامه می‌دهد و اگرچه نیروی محرکه تولید جامعه است اما از نظر معاش و سطح رفاه زندگی در مضیقه است. قشری که در نمایش‌ها و متن‌های تئاتر امروز کمتر جایی دارد و قابل رقابت با سبیل نمایش‌های کم‌دی و بازاری نیست، حضور پررنگ زنان و محوبودنشان در متن‌های لیلی عاج، ادای دین دیگری است به قشری اقلیت که هرچه پرداخت بیشتر به وضعیت و شرایط آنان در تحولات اجتماعی و جامعه، می‌تواند آگاهی بخش و مؤثر باشد. چنین تئاتری که می‌خواهد جدای از سبک خود ارتباط معنادار و نزدیکی با مخاطب بویژه تماشاگر عام برقرار کند، نیازمند، سادگی و درعین‌حال هوشمندی خاصی است که لازمه تأثیرگذاری حد اکثری هسته معنایی نمایش باشد. لیلی عاج همواره زنجیره منسجم آن را در هم می‌ریزد، التقاط بیش از اندازه موضوعات غیرمرتبط، چندپارگی جریان اصلی و حوادث پر حاشیه جنبی است که موجب می‌شود تمرکز از پیگیری روال اصلی داستان، به هم بخورد. بخصوص جابه‌جایی دو شخصیت و برادر دوقلو در داستان که نه تنها کمک‌کننده و جذابیت ندارد بلکه نقطه اوج ازهم پاشیدگی زنجیره اصلی است که حتی از موضوع کولبران نیز منحرف می‌شود و آن را تبدیل به یک روایت دورهمی در تقلیل یک موقعیت توصیفی می‌کند. چنین ضعفی، جهت ارزشمندن موضوعی نمایش را، آنچنان بی‌اعتبار می‌کند که حتی بیش از آنکه تأثیرگذاری ثمربخش داشته باشد، معکوس عمل می‌کند. بویژه رخداد نهایی و تک‌گویی پرده آخر مادر (الهام شعبانی)، تیغ بُرنده رگ نمایش است که نبض حیاتش را از کار می‌اندازد.

این کار نمایش را در حد یک واگونی مصیبت و زنجمره، پایین می‌آورد و چنان مرثیه‌گوست، که حتی عکس، عمل می‌کند و ساحت نقد اجتماعی را، با یک ماجرای سطحی تصادف و مردن ناگهان هر سه برادر، تخریب می‌کند. تمرکز بر کولبران که حتی نام نمایش «کمیتۀ نان» نیز مرتبط با آن است، در حد یک توصیف زبانی با چاشنی آه و شیون، دریک دیالوگ از زبان دختری که کولبر است، محدود می‌شود و قابلیت پرداخت و مواجهه قابل لمس و نزدیک‌تری را برای تماشاگر ایجاد نمی‌کند. توازی چند موضوع در راستای حوادث داستان به غنی ترشدن و چندلایه‌شدن متن و اجرا می‌انجامد اما اگر در این مهم افراط شود یا موضوعات ارتباطی معنادار و کارکردی و تکمیلی نداشته باشند تبدیل به ضعف بزرگی می‌شود که قادر نیست جریان داستان را از پرچونگی بیهوده حفظ کند و روایی می‌شود از توسل به یک موضوعیت جذاب، اما ناپسند و عقیم و چه بسا ویرانگر.

کمیتۀ نان، متنی آشفته دارد که در اجرا هم به بار نمی‌نشیند و سوژه قابل پرداخت پرمایه و شریفی را هدر می‌دهد. صحنه‌پردازی و میزآرnsن پرده‌ها، خلایقیت چندانی ندارد، دکور و بازی‌ها در حداقل میزان مقبولیت است. با تمام آنچه اشاره شد، سطح انتظار تماشاگر از توجه و پرداخت مؤثری از وضعیت کولبران، با کمیتۀ نان برآورده نمی‌شود، با این حال سوژه مورد طرح که از جنس مردم است، قابل احترام است.

نمایش «ژنتیک»

هستی‌شناسی ژن‌های اکنون



سید حسین رسولی

نمایش «ژنتیک» به نویسندگی و کارگردانی مهسا غفوریان از مشهد در تماشاخانه ایرانشهر اجرا رفت و به موضوع دانشگاه پرداخت. این نمایش ۱۰۰ دقیقه‌ای در بخش مسابقه صحنه سی‌وهشتمین جشنواره تئاتر فجر حاضر است.

غفوریان بر خلاف نمایش‌های «متساوی‌الساقین» به کارگردانی عمادالدین رجب‌لو و «است» به کارگردانی پرینا شمس که به مدرسه پرداختند به دانشگاه توجه می‌کند. هر سه این کارها درباره وضعیت «اکنون» و زندگی روزمره جوانان می‌گویند و هر سه کارگردان هم تلاش می‌کنند در روایت خود پیشرو باشند. غفوریان از رئالیسم فاصله می‌گیرد و بر سبک و سیاق «تئاتر یکالینه» پیش می‌رود. او به جزئیات کار ندارد ولی می‌خواهد فضای دانشگاه را به شکل مینیمال بسازد. کلاسی را شاهدیم که صندلی‌های آن وسط صحنه چیده شده است و دانشجویان نیز روی آن نشسته‌اند و پس از چندی هم استادی وارد می‌شود. استاد مانند لیدر استادیوم فوتبال است و هر چه که می‌برسد دانشجویان با صدای بلند و یکدست و هماهنگ جواب می‌دهند. استاد به نوعی نماد «دیگری بزرگ» است و قدرت خود را به رخ جوانان می‌کشد. پس از چند دقیقه، سه دانشجوی دختر به کلاس می‌رسند ولی استاد آنان را راه نمی‌دهد پس یک درگیری لفظی بین این سه دانشجو و استاد شکل می‌گیرد. استاد می‌خواهد آنان از کلاس بیرون بروند ولی یکی از دانشجویان، اسم دختر دیگری را می‌آورد که اگر او دیر آمده بود، استاد حتماً وی را راه می‌داد. این موضوع باعث درگیری بیشتری می‌شود و کار به حراست می‌کشد. در حراست هم داستان‌های مختلف دیگری پشت سر هم شکل می‌گیرد چون در دانشجویی که به حراست می‌رود تلاش می‌کند برای رهایی خود، دانشجوی دیگری را الو بدهد و این وضعیت تا انتها ادامه می‌یابد. نام نمایش بشدت نامدین است چون ژن واحد مولکولی وراثت از یک ارگانسیم زنده است. چند مفهوم دیگر چون قضاوت و قربانی کردن دیگران برای رهایی خود نیز شکل می‌گیرد. استاد هم نمادی از قدرت و «دیگری بزرگ» است. این نمایش از نظر فرم هم جالب است چون تقریباً با یک اثر فرمالیستی شاعرانه طرف هستیم. همه چیز به شکل فرم‌های تکراری در آمده است و حتی روایت داستان نیز به تکرار می‌افتد تا موضوع خود را روشن کند. چند بار، روند دیر رسیدن دانشجویان به کلاس درس را می‌بینیم و در ادامه هم چند بار روند جابجایی حراست دانشگاه را. انگار این چرخه مدام تکرار می‌شود و خواهد شد. البته یکی از مشکل‌های اجرا، تکراری بودن اغلب موقعیت‌هاست که بشدت مرا خسته کرد. این نمایش می‌توانست کوتاه‌تر و جمع و جورتر و منسجم‌تر باشد. یکی دیگر از مشکل‌ها هم به شاعرانه بودن مفاهیم انتقادی درون متن مربوط می‌شود. موضوع «هستی‌شناسی اکنون» که توسط میشل فوکو بیان شده بشدت به کار تئاتر ایران می‌آید. مسأله مورد چالش فوکو با تاریخ‌نگاران سنتی این است که با قرار دادن رویدادها در یک توالی هدفمند و سیر علی، اکنون را تنها وضعیت ممکن نشان می‌دهند و با این کار، ایده کلی و چشم‌انداز خود را در نگارش رویدادها، پنهان می‌کنند. در واقع، گذشته تنها در گرواکنون معنا می‌یابد و تبارشناسی هم «نگارش تاریخ اکنون است». مهم‌ترین نکته مثبت نمایش «ژنتیک» غفوریان نیز توجه به تاریخ اکنون است.

راهنمای تماشای جشنواره تئاتر فجر / چهارشنبه ۱۶ بهمن

- بیگانه در خانه
- نویسنده: سید محمد مساوات
- کارگردان: سید محمد مساوات
- مکان: سالن اصلی تئاتر شهر
- زمان: ۱۹۰
- شهر: تهران
- بخش: مسابقه صحنه
- مدت زمان اجرا: ۱۲۰ دقیقه
- مهندس و اشینگ کلوز
- نویسنده: ابوالفضل بلغندر
- کارگردان: ابوالفضل بلغندر
- مکان: تئاتر شهر- سایه
- زمان: ۱۷ و ۱۹
- شهر: قم
- بخش: مسابقه صحنه‌ای
- مدت زمان اجرا: ۴۵ دقیقه
- صمدین سالگرد فتح گریه
- نویسنده: صابر محمدی
- کارگردان: مهرداد علی‌پور
- مکان: تئاتر شهر- قشقای
- زمان: ۱۷:۳۰ و ۱۹:۳۰
- شهر: گچساران
- بخش: مسابقه صحنه
- مدت زمان اجرا: ۵۵ دقیقه
- ننه مده
- نویسنده: یوسف شکوهی
- کارگردان: آرمان بیژنی نسب
- مکان: تالار مولوی
- زمان: ۱۷ و ۱۹
- شهر: فسا
- بخش: مسابقه صحنه
- مدت زمان اجرا: ۵۰ دقیقه
- غم‌نومه وطن و تن
- نویسنده: جواد خاکسار حقانی
- کارگردان: جواد خاکسار حقانی
- مکان: ایرانشهر
- زمان: ۱۷ و ۲۰
- شهر: شهرکرد
- بخش: مسابقه صحنه
- مدت زمان اجرا: ۶۰ دقیقه
- زنی اینجا نمانده
- نویسنده: افشین خدری
- کارگردان: افشین خدری
- مکان: مجموعه تئاتر شهر
- زمان: ۱۶
- شهر: سنندج
- بخش: خیابانی
- مدت زمان اجرا: ۲۵ دقیقه
- بهار میاد
- نویسنده: محمد برومند
- کارگردان: محمد برومند
- مکان: مجموعه تئاتر شهر
- زمان: ۱۶:۳۰
- شهر: مشهد
- بخش: خیابانی
- مدت زمان اجرا: ۴۰ دقیقه
- در انتظار گودو
- نویسنده: ساموئل بکت
- کارگردان: امیر حسین جوانی
- مکان: نوفل لوشاتو
- زمان: ۱۹ و ۲۱
- شهر: تهران
- بخش: +فجر
- مدت زمان اجرا: ۸۰ دقیقه
- یک شهر پر از قصه
- نویسنده: مهرداد یاراحمدی صارمی
- کارگردان: شبنم منصور
- مکان: ایران تماشا
- زمان: ۱۹
- شهر: تهران
- بخش: +فجر
- مدت زمان اجرا: ۷۰ دقیقه
- وقتی همه خواب بودیم
- نویسنده: حمید عبدالحسینی و علیرضا زارع
- کارگردان: حمید عبدالحسینی
- مکان: مهرگان
- زمان: ۲۱
- شهر: تهران
- بخش: +فجر
- مدت زمان اجرا: ۶۰ دقیقه
- خواهرم دگی
- نویسنده: سجاد داغستانی
- کارگردان: فرهنگ روشنی
- مکان: آرمان
- زمان: ۱۹:۳۰
- شهر: تهران
- بخش: +فجر
- مدت زمان اجرا: ۶۵ دقیقه
- ماندات
- نویسنده: پوریا جلالوندی
- کارگردان: پوریا جلالوندی
- مکان: دیوار چهارم
- زمان: ۱۷:۳۰
- شهر: تهران
- بخش: +فجر
- مدت زمان اجرا: ۶۰ دقیقه

۲

راهنما

گزارش

■ چهارشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۸
■ سال بیست و ششم
■ شماره ۷۲۷۲

۱۵

گزارش

«ایران» از نمایش‌های برجسته سی‌وهشتمین جشنواره تئاتر فجر گزارش می‌دهد

وقتی صحنه نمایش از آینده‌ای درخشان می‌گوید



امید زاکریس

که از فجر جایزه دارد با نمایش «شازده احتجاب» حاضر است و احتمال دارد در بخش کارگردانی مورد توجه قرار بگیرد. بخش کارگردانی جسور و زحمت‌کش است که بیش از متن «خاطرات هنرپیشه نقش دوم» به نویسندگی بهرام بیضایی را اجرا کرده و با استقبال فراوان روبه‌رو شد. امسال دو نمایش با توجه به شخصیت اسطوره‌ای «مده» هستند که هر دو از شهرستان می‌آیند و بازیگران آنها هم زحمت فراوانی کشیده‌اند اما تنها نمایش «ننه مده‌آ» به کارگردانی آرمان بیژنی نسب در بخش مسابقه قرار دارد. حرف و حدیث‌ها درباره رقابتی بودن و غیر رقابتی بودن جشنواره که جایزه باعث ایجاد انگیزه می‌شود و آن کسی هم که جایزه می‌گیرد آینده روشنی خواهد داشت ولی مخالفان می‌گویند آنانی که جایزه نمی‌گیرند دچار سرخوردگی می‌شوند. گروهی می‌گویند رقابت باعث تولید خشونت و حاشیه می‌شود و این رفتار مناسب تئاتر نیست. گروهی دیگر می‌گویند اگر رقابت نباشد چطور می‌شود دیگران را قضاوت کرد. خیام وقار کاشانی، مدیر بخش «به‌علاوه فجر» سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر می‌گوید:

به نظر می‌رسد این کارگردان جوان و گروه جوانش یکی از شانس‌های جشنواره امسال باشند. موضوع این نمایش به مدرسه‌ای دخترانه می‌پردازد و در تالار مولوی میزبان تئاتردوستان بود. نمایش «ژنتیک» به نویسندگی و کارگردانی مهسا غفوریان از مشهد نیز در جشنواره حضور دارد ولی انتظارات را آنچنان برآورده نکرده با اینکه کاری متفاوت است. مهم‌ترین مشکل این نمایش بازیگران آن هستند که کیفیت بالایی ندارند ولی شاید در بخش کارگردانی یکی از نامزدها باشد. رضا گشتاسب یکی از پر کارترین هنرمندان امسال است. او از هنرمندان موفق در جشنواره‌های ریز و درشت است و امسال چند نمایشنامه در بخش صحنه‌ای دارد که یکی «نمایش کوچه مختار بود و ساسان بود و سمیم» به کارگردانی جواد صداقت و الهام ابنی است؛ دیگری «دست‌هایم کو مم حسن» به کارگردانی رضا کریمی‌زاده و آن یکی هم «چند روایت نامعتبر از آنچه نمی‌دیدیم» به کارگردانی کریم علی‌خواه. گشتاسب به فضای رئالیسم جادویی و سوررئالیسم علاقه دارد و معمولاً نمایشنامه‌های او هم تماشاگران را راضی می‌کند و هم منتقدان را. به‌نظر

سید حسین رسولی

چند روزی از جشنواره می‌گذرد و اکنون بسیاری از کارها دیده شده‌اند. جالب است که تعدادی از نمایش‌ها از پیش در تهران روی صحنه بودند و بیشتر منتقدان و تئاتردوستان نیز با آنها آشنا شده بودند. امسال نمایش‌های «بیگانه در خانه» به نویسندگی و کارگردانی سید محمد مساوات، «متساوی‌الساقین» به نویسندگی و کارگردانی عمادالدین رجب‌لو، «باق‌وحش» به نویسندگی فراز مهدیان دهکردی و کارگردانی امیربهادر اکبریور دهکردی، «است» به نویسندگی پرینا شمس و امیر ابراهیم زاده و کارگردانی پرینا شمس، «کریم‌لوزی» به نویسندگی مهران رنجبر و کارگردانی رضا بهرامی، «دست‌هایم کو مم حسن» به نویسندگی رضا گشتاسب و کارگردانی رضا کریمی‌زاده بیشتر از دیگر تئاترها مورد توجه نویسندگان، منتقدان و تئاتر دوستان قرار گرفتند.

یکی از مهم‌ترین غافلگیری‌های جشنواره امسال مربوط به کارهای شهرستانی بود. جوانان تئاتری هم که سال‌هاست گوی رقابت را از استادان کهنه‌کار تئاتر ربوده‌اند و اجازه نفس کشیدن به کسی نمی‌دهند. برخی از کارهایشان آنچنان جسور، خلاق و منسجم است که حرفی برای گفتن نمی‌ماند. گروه‌های شهرستانی هم همیشه حرف‌هایی برای گفتن داشته‌اند. امسال دو نمایش «متساوی‌الساقین» به نویسندگی و کارگردانی عمادالدین رجب‌لو و «باق‌وحش» به نویسندگی فراز مهدیان دهکردی و کارگردانی امیربهادر اکبریور دهکردی بازخورهای مثبت فراوانی داشتند. کار رجب‌لو بشدت رئالیستی است و آنقدر در این زمینه افراط می‌کند که به فضای ناتواریستی نزدیک می‌شود ولی تلاش می‌کند همه چیز را تنها به وراثت و محیط پیوند نزند و کمی هم روحیه انتقادی دارد. نمایش «باق‌وحش» به خانواده می‌پردازد. ما شاهد خانواده‌ای سه نفره هستیم که در فضایی رئالیستی آغاز به کار می‌کند ولی ناگهان همه چیز به هم می‌ریزد و فضایی شبیه به کارهای رئالیستی پست‌مدرن شکل می‌گیرد و منطق روایت به هم می‌ریزد. انگار با نوعی رئالیسم جادویی طرف هستیم، مثلاً مرد خانواده تصمیم می‌گیرد برود و مرد دیگری که شبیه اوست وارد می‌شود. این دو نمایش تعداد زیادی از نقدها را به خود اختصاص داده‌اند که نشان از اهمیت ویژه آنها دارد.

نمایش «بیگانه در خانه» به کارگردانی سید محمد مساوات و بازی محمد علی‌محمدی و نوید محمدزاده هم یکی دیگر از کارهای پر مخاطب و مورد توجه جشنواره است. این نمایش ابتدا در تئاتر مستقل تهران روی صحنه رفت و سپس به سالن اصلی تئاتر شهر آمد. مساوات چند سالی می‌شود که حضور خود را محکم کرده و آنقدر مورد توجه بوده است که تأثیر جشنمگیری روی برخی گروه‌های جوان گذاشته است. کار او پر از جزئیات ریز و درشت است. شاهد دکورهایی ناتواریستی هستیم ولی شیوه اجرایی مساوات نزدیکی خاصی به سبک ناتواریستی ندارد و بیشتر نویسندگان او بر چسب پست‌مدرن زده‌اند. نکته مورد اهمیت در این کار مساوات، اهمیت سینما و دوربین فیلمبرداری است. این نمایش با بازخورهای مثبت فراوانی روبه‌رو شده و نقدهای فراوانی هم برای آن نوشته شده است. نمایش «است» به کارگردانی پرینا شمس نیز یکی دیگر از کارهای مهم امسال است. کارگردان جوان و دهه هفتادی این نمایش مورد توجه قرار گرفته است و مسیر جالبی را از تئاتر دانشگاهی تا جشنواره فجر پیموده.

«متساوی‌الساقین» بشدت در

این زمینه افراط می‌کند که به

فضای ناتواریستی نزدیک

می‌شود ولی تلاش می‌کند

همه چیز را تنها به وراثت و

محیط پیوند نزند و کمی هم

روحیه انتقادی دارد

«رقابتی برگزار کردن این بخش می‌تواند به ادامه روند فعالیت تماشاخانه‌ها کمک کند زیرا آنها سعی می‌کنند در طول سال حساسیت و دقت بیشتری برای پذیرش آثار داشته باشند تا در پایان سال که جشنواره تئاتر فجر براساس ملاک‌هایی به ارزیابی و امتیازدهی آثار می‌پردازد، عملکرد بهتری ارائه کنند. اگر رقابت به شکلی درست و با برنامه‌ریزی انجام شود، مدیران جشنواره‌ها در زمینه پذیرش آثار دقت بیشتری خواهند داشت و صرفاً متمرکز بر جنبه تجاری آثار نخواهند بود. جشنواره تئاتر فجر باید از تماشاخانه‌هایی که برنامه خوب و باکیفیتی در طول سال داشته، حمایت و همچنین به این موضوع که چه تعداد از نمایش‌های بخش مسابقه تئاتر ایران از تماشاخانه‌های خصوصی هستند، توجه کند.»

از سوی دیگر، یوسف پایری از کارگردانان تئاتر می‌گوید: «ما به جای اینکه سیاست‌های غلط را اصلاح کنیم، درگیر داری و رقابت و مسائل حاشیه‌ای شده‌ایم. همان طور که می‌دانید رقابت باعث خشونت می‌شود. گروه‌ها باید در جشی همگانی شرکت کنند و روابط اجتماعی خود را گسترش بدهند ولی شاهد خشونت و درگیری و نفرت و خشم هستیم. همه با هم دشمن شده‌اند. ما به جای اینکه اجراهای همدیگر را نگاه کنیم با یکدیگر گفت‌وگو کنیم با هم درگیر هستیم. این بحث خیلی جدی است. باید هر چه زودتر سیاست‌های غلط و رویکردهای فعلی جشنواره‌ها اصلاح شود.» این بحث همچنان در تئاتر ایران در جریان است و باید ببینیم در آینده چه اتفاقاتی رخ خواهد داد.

بایستی به آنها بپردازیم. بهترین ویرتین برای نشان دادن هم فجر است.

■ آینده جشنواره فجر از چطور می‌بینی؟

دربارۀ آینده فجر باید بگویم ما همه امید داریم و به امید زنده‌ایم. ما نیاز به این امید داریم. امیدوارم هر ثانیه که می‌گذرد اتفاقات خوبی برایمان پدید آید و برای فجر هم چنین آرزویی دارم ولی همه مستلزم این است که سیاستگذاران

جشنواره فجر یک چیز را فراموش نکنند. جشنواره فجر ویرتینی است که بسیاری روی آن زوم هستند. زمانی این ویرتین به چشم می‌آید که آثار چیده شده در آن درست باشند. آثار درست به کدام آثار اطلاق می‌شود؟ منظوم آثاری است که در آن مشکلات جامعه‌ما، ایجاد تفکر و انگیزه و امید در آن وجود داشته باشد. باید فکریه درستی بازتاب یابد. باید بتوانی برای جامعه‌ای که خسته است، امید ندارد، آمار فقر، بیکاری و طلاق در آن افزایش یافته است، انگیزه بیافرینی. این نیست که چند میلیارد بگذاری و بگویی جشنواره‌ای برگزار شد. باید برای آن چند میلیارد فکر داشته باشی و تولید فکر کنی. اگر نهایتاً در این جشنواره پنج میلیون مخاطب وجود داشته باشد، اگر شما بتوانی یک نفر از این جمعیت را از راه کوچ به راه راست هدایت کنی، آنجا اتفاق خوبی رخ داده است. یعنی چیدمان ویرتین شما درست بوده است. امیدوارم آینده فجر به این سو برود. ایده‌آل ما هنرمندان این است. می‌خواهیم حرفمان را راحت بزنیم. بگذارید با جامعه راحت‌تر حرف بزنیم. کجا بهتر از صحنه تئاتر می‌تواند چنین اتفاقی رخ دهد؟ باید هزینه گزافی صرف کنید تا با یک روانشناس صحبت کنید؟ اگر اجازه دهند در فضای تئاتر حرفمان را بزنیم، مخاطب ما را نگاه می‌کند، نگاه کردن آنان را به چند حس ناخودآگاه سوق می‌دهیم. گاهی تهاجمی می‌شوند و می‌خواهند ما را بزنند. گاهی اوقات تفنن است و می‌خندند و این خوب است. امیدوارم آینده فجر به ستمی برود که ما با مردم و مردم با ما حرف بزنند.

■ به نظر تـ فجر به نقطه ایده‌آل تـ می‌رسد؟

اگر مسئولان و افراد در راس، قوانین درستی برای جشنواره داشته باشند، می‌توانیم نمایش‌های خوبی را در جشنواره فجر در قالب نمایش ایرانی داشته باشیم.

■ با توجه به فعالیت‌های برون مرزی تو، آیا در فکر همکاری مشترک با گروه‌های خارجی هستی؟

واقعاً دوست دارم این کار در خارج از ایران اجرا داشته باشد؛ ولی با شرایط امروز جامعه که همه چیز تحریم می‌شود و این تحریم از بیرون تحمیل می‌شود، امید خوبی ندارم. امیدوارم در بازار تئاتر که کار ارائه می‌شود، اتفاقات خوبی برایمان رخ دهد. دوست دارم قالب‌های نمایش ایرانی و شخصیت کریم شیروی را به دیگران معرفی کنم.